



بیانات در دیدار مداحان اهل بیت علیهم السلام - 29 / اسفند / 1395

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا ابى القاسم المصطفى محمد و على آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين الهداة المهديين المعصومين سيما بقیة الله فى الارضين. اللهم صل على فاطمة و ايها و بعلمها و بنیها بعدد ما احاط به علمك.

خیلی لذت بردیم، استفاده کردیم، بهره‌مند شدیم از این جلسه‌ی پُربرکت، پُرمعنا، پُرضمنون، باحال. [بیان] حقایق آمیخته‌ی با هنر، بیان فضایی که برتر از عقل انسان عاقل و دانا است با زبان تعریض و کنایه و تعبیرات زیباشناسانه‌ی اشاره‌کننده‌ی به آن معنای والا؛ خصوصیت شعر این است.

این جلسه‌ی مبارک سالهای متمادی است که در اینجا -در حسینیه- در این روز تشکیل میشود. و برکات این جلسه، هم از لحاظ معنوی و روحی و افاضاتی که بر دل‌های مؤمنین و متوسلین میشود، و هم از لحاظ تأثیرات اجتماعی و سیاسی، تأثیرات مهم و قابل توجهی است. قدر این جلسه را میدانیم؛ از اینکه خدای متعال فرصت داد، مهلت داد تا یک سال دیگر، یک بار دیگر در این جلسه حضور پیدا کنیم، خدا را سپاس عرض میکنیم و از شما تشکر میکنیم، و همین‌طور از برادرانی که برنامه اجرا کردند تشکر میکنیم.

درباره‌ی سیده‌ی زنان عالم، زنان همه‌ی عوالم و همه‌ی دورانها، سخن کسی مثل این حقیر نه فقط نارسا و ناقص است، بلکه زبان ما در بیان بخشی از آنها هم الکن است. غیر از مقامات معنوی و ملکوتی و الهی -که غیر از خود معصومین (علیهم‌السلام) کسی نمیتواند آن مقامات را درک کند، چه برسد به اینکه توصیف بکند- از لحاظ معیارهای ظاهری و عقلانی هم سیده‌ی زنان عالم صدیقه‌ی کبری (سلام‌الله‌علیها) دارای اندازه‌ها و ابعاد غیر قابل تصور برای ما است. خب میگوییم این بزرگوار از ولایت دفاع کرد، جان خودش را از دست داد، با فصاحت و بلاغت سخن گفت، و مانند اینها؛ اما اینها [فقط] به زبان گفته میشود، آن موقعیت را ما نمیتوانیم اصلاً تصور بکنیم.

اگر موقعیت مدینه‌ی بعد از رحلت پیغمبر و وضعی که پیش آمد، برای ما روشن بشود و درست تصور کنیم مسئله را، آن وقت میفهمیم فاطمه‌ی زهرا چه حرکت عظیمی را انجام داده است. شرایط بسیار دشوار و غیر قابل توضیح حتی برای افکار خواص، پیش می‌آید. از همه‌ی اصحاب پیغمبر، [فقط] ده نفر، دوازده نفر در مسجد حاضر شدند بلند شوند از امیرالمؤمنین و از حق آن بزرگوار دفاع کنند. این همه اصحاب، این همه بزرگان، این همه تالیان قرآن، این همه مجاهدان بدر و حنین، نه اینکه همه‌شان عناد داشتند؛ نه، مطلب به آن وضوحی که حتی خواص بتوانند آن را درست بفهمند، واضح نبود. کسی مثل عمّار میخواست، کسی مثل ابی‌ذر میخواست، کسی مثل زبیر اول کار میخواست؛ اینها بودند که پای منبر بلند شدند و از حق امیرالمؤمنین دفاع کردند؛ ده دوازده نفر که در تاریخ اسم‌هایشان ثبت است. زبیر هم البته جزو همینها بود؛ این را به یاد داشته باشید. شرایط این‌جوری است؛ آن وقت در این شرایط، دختر پیغمبر می‌آید در مسجد و آن خطبه‌ی غراء (۲) را، آن بیان عجیب را، ارائه میکند و اداء میکند و حقایق را بیان میکند. یا آن خطبه‌ای که ایشان خطاب به زنان مدینه در بستر بیماری بیان کرد، که اینها ثبت شده و همه‌اش موجود است. اینها ابعاد معنوی نیست، اینها همین ابعاد قابل فهم ما است. با همین نگاه معمولی عقلایی میشود اینها را فهمید، اما اینقدر با عظمت است که قابل اندازه‌گیری نیست؛ یعنی قابل مقایسه‌ی با هیچ



فداکاری دیگری نیست. مثل این است که مثلاً فرض بفرمایید بگویند کهکشانشان طول و عرضشان چند متر است؟ بله، قابل اندازه‌گیری است؛ متر و سانتیمترش را هم میشود معین کرد؛ اما چه کسی میتواند؟ چه کسی میفهمد؟ چه کسی قادر است؟ اینها جنبه‌ی الهی و معنوی و ملکوتی و عرشی نیست؛ جنبه‌ی فرشی دارد، اما اینقدر با عظمت است که انسانهای معمولی نمیتوانند؛ ما میگوییم، روضه‌اش را هم میخوانیم، دلمان هم میسوزد، گریه هم میکنیم، اما آنچه را اتفاق افتاد، نمیتوانیم درست تصور بکنیم که چقدر با عظمت است این حرکت فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها).

فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) در نقش یک رهبر واقعی [است]؛ همانطور که امام بزرگوار فرمودند که اگر فاطمه‌ی زهرا مرد بود، پیغمبر میشد. (۳) [این] خیلی حرف عجیبی است، خیلی حرف بزرگی است و جز از زبان کسی مثل امام بزرگوار که هم عالم بود، هم فقیه بود، هم عارف بود، انسان این حرف را نمیتواند بشنود؛ اما ایشان گفته است این حرف را. [فاطمه‌ی زهرا] این است؛ یعنی یک رهبر به تمام معنا، مثل یک پیغمبر، مثل یک هدایتگر عموم بشر؛ در این حد و در این اندازه زهرای اطهر، دختر جوان، ظاهر میشود؛ این زن اسلام است.

خب ما مرتب تمجید کنیم، تعریف کنیم، بله، فایده‌اش این است که ذکر مناقب این بزرگواران دل انسان را روشن میکند، اعتقاد انسان، عشق انسان، محبت انسان را افزایش میدهد؛ اینها خوب است لکن حقایق گوناگون دیگری هم ورای اینها وجود دارد. زن در منطق اسلام این است. حالا یک عده آدم جاهل و نادان پیدا بشوند که درباره‌ی نگاه اسلام به زن خدشه کنند و حرفهای ناقص و معیوب و پُراشکال غربی‌ها را به رخ انسان بکشند، این چقدر انحراف و چقدر خطا است.

فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) یک زن اسلامی است، زن در بالاترین طراز زن اسلامی، یعنی در حدّ یک رهبر، اما همین زنی که از لحاظ فضایل و مناقب و حدّ وجودی میتواند پیغمبر باشد، همین زن مادری میکند، همسری میکند، خانه‌داری میکند؛ ببینید اینها را باید فهمید. این فریفتگان غافل-انسان چه بگویند؟- حرفهای پوچ غربی‌ها، این قدر خانه‌داری را تحقیر نکنند. معنای خانه‌داری زن تربیت انسان است، معنایش تولید والاترین و بالاترین محصول و متاع عالم وجود است؛ یعنی بشر. خانه‌داری یعنی این.

ما در روز ولادت فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) جا دارد که حدّ زن مسلمان را درست تشخیص بدهیم. امروز را روز زن و روز مادر نام‌گذاری کرده‌اند؛ خیلی خیلی خوب است؛ میشد گفت روز رهبر، اشکالی نداشت؛ میشد گفت روز والاترین انسان؛ اما امروز نیاز جامعه‌ی ما به این است که بداند مادری یعنی چه؟ زن خانه بودن یعنی چه؟ کدبانو بودن یعنی چه؟ فاطمه‌ی زهرا با آن شأن و با آن رتبه و با آن مقام و با آن عظمت، یک خانم خانه‌دار است؛ این تحقیر او نیست؛ او که با آن عظمت قابل تحقیر نیست، مگر این عظمت را میشود کوچک شمرد؟ این عظمت به جای خود محفوظ است، اما یکی از شئون و یکی از مشاغل همین عظمت عبارت است از همسر بودن یا مادر بودن و خانه‌داری کردن؛ با این چشم به این مفاهیم نگاه کنیم.

یک عده‌ای به‌عنوان دفاع از حقوق زن حرفهایی میزنند که نه فقط احترام به زن نیست [بلکه] تضعیف زن است؛ داخلی‌های خودمان را میگوییم؛ والا در فرهنگ غربی اروپایی که این کارها به احتمال زیاد و به احتمال نزدیک به یقین، توطئه‌ی صهیونیست‌ها است که اصلاً میخواهند جامعه‌ی بشری را به هم بزنند و به هم بریزند؛ زن را به‌صورت



یک متاع مایه‌ی التذاذ مرد قرار بدهند؛ این که توطئه‌ی آنها است، آنها را کاری نداریم، مسئله‌ی آنها مسئله‌ی دیگری است، اما در محیط اسلامی ما -چه در داخل کشور ما، چه در بعضی محیط‌های اسلامی دیگر- برای اینکه از زن حمایت بکنند، یک چیزهایی را، یک وظایفی را، توقعاتی را برای زن مطرح میکنند که این تحقیر زن است، این کوچک کردن زن است. [مثلاً] میگویند چرا اجازه نمیدهید زن در بیرون از منزل کار کند؛ اولاً چه کسی اجازه نمیدهد؟ چه اشکال دارد؟ ثانیاً کار کردن در بیرون منزل، یعنی فرض کنید ماشین‌نویسی فلان اداره، یک شأن است برای زن که ما برای او یقه بدرانیم؟ معنای عدالت این است؟ معنای عدالت این است که آنچه را خدای متعال در گمون (۴) ذات هر موجودی قرار داده، آن را بشناسیم، قدر بدانیم و آن را پرورش بدهیم؛ عدالت این است.

خدای متعال مرد را و زن را از جهاتی مثل هم قرار داده است؛ از لحاظ عروج به مقامات معنوی با هم تفاوتی ندارند، نمونه‌اش فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها)؛ از لحاظ قدرت رهبری با هم تفاوتی ندارند، نمونه‌اش فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها)؛ از لحاظ توانایی هدایت بشر تفاوتی ندارند، نمونه‌اش فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها)؛ اما از لحاظ وظایف اداره‌ی زندگی تفاوت دارند، باز نمونه‌اش فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها). اینهایی که از حقوق زن میخواهند دفاع کنند، به قول معروف شیپور را از سر گشادش میزنند و نمیفهمند چه بگویند و از چه چیز زن دفاع کنند، میگویند چرا زن مدیریت [نکنند]؛ مگر مدیریتها یک افتخار است برای یک انسان که دنبال این باشد که چرا مدیریتها [مخصوص مرد است]؟ اسمش را هم میگذارند عدالت جنسیتی؛ این عدالت است؟ آن کسانی که در دنیا برابری جنسیتی را مطرح میکردند و دنبال آن بودند، امروز این قدر بدبختی و فساد از این ناحیه گریبان‌گیرشان شده که خودشان پشیمانند؛ البته خیلی‌هایشان صریحاً اقرار نمیکنند، خیلی‌هایشان هم با این فرهنگ بزرگ شدند، نمیفهمند چه اتفاقی دارد می‌افتد؛ اما اندیشمندان‌شان چرا، اندیشمندان‌شان میگویند، میفهمند، اظهار نگرانی میکنند. خدا کند این کسانی که در داخل اسم عدالت جنسیتی می‌آورند، مرادشان این چیزی که به‌عنوان برابری جنسیتی مطرح شده، نباشد. امیدواریم که ان‌شاءالله همه از فیوضات این روز بهره ببریم، از نام فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) بهره ببریم].

یک جمله در مورد مسئله‌ی مذاحی عرض بکنیم. مداحان اهل بیت (علیهم‌السلام) امروز بحمدالله زیادند -هم در تهران، هم در شهرها، ملاحظه کردید امروز از شهرهای مختلف آمدند برنامه اجرا کردند و چقدر هم زیبا، چقدر هم خوب- این یک پدیده است؛ یک پدیده‌ی کم‌نظیری است. البته در زمانهای قدیم داشتیم، دوره‌ی جوانی ما هم بود؛ [اما] اولاً خیلی محدود بود، ثانیاً از لحاظ تنوع رفتارها و خواندن‌ها و محتواها و قالبها اصلاً قابل مقایسه‌ی با امروز نبود؛ امروز این پدیده رشد پیدا کرده و به‌صورت عجیبی در سرتاسر کشور گسترده است. خوب، این پدیده، یک پدیده‌ی انسانی است؛ علاوه بر آن، یک پدیده‌ی ایمانی است؛ علاوه بر آن، یک پدیده‌ی هنری است؛ این را چه کار باید کرد؟ چه جوری بایستی به نفع اسلام و مسلمین -که موجب رضای خدا است- از این استفاده کرد؟ من خواهش میکنم که به این فکر کنید. هدف همه‌ی حرکات و کارهای ما بایستی خدا باشد؛ ما نام کسانی را می‌آوریم که در هیچ حالی از حالات، از یاد خدا و از احساس وظیفه و حرکت برای خدا غافل نبودند؛ باید کارمان برای خدا باشد؛ آن، به دردمان خواهد خورد. این متاع دنیا، این تحسین و تمجید دنیا، این استفاده‌ای که انسان در این برهه‌ی از زندگی خود میبرد و از این‌طور چیزها، که ارزشی ندارد؛ باید خدای متعال را راضی کرد، رضای الهی است که برای انسان ارزش دارد.

حالا چه کار کنیم که این منطبق با رضای الهی بشود؟ دو چیز داریم: یکی قالب؛ یکی محتوا. قالب خیلی خوب



است، مدّاحی یک شیوه‌ی کار هنری مخصوص خود است؛ سعی کنید این شیوه‌ی کار را با شیوه‌های خواندن هنری دیگر مخلوط نکنید. این جور نباشد که ما شعری در مصیبت یا در مدح بخوانیم، اما قالب این شعر فرض کنید که، قالب یک ترانه‌ای باشد که فلان آدم دور از دین و دور از معنویت و دور از این حرفه‌هایی که شما میزنید دارد زندگی میکند و غرق در مادّیات و فساد است [خوانده]؛ این را مراقبت کنید، این چیز مهمّی است. آنچه خدای متعال به شما داده - یعنی صوت خوش، حنجره‌ی گرم، ذهن مناسب، انگیزه - یک نعمت است؛ این نعمت را باید شکرگزاری کرد.

بخش محتوا هم همین جور است. در بخش محتوا، اولاً مسئله، مسئله‌ی منقبت اهل بیت (علیهم‌السلام) و دلها را نزدیک کردن به محبّت و معرفت ایشان است. ما انصافاً از لحاظ معرفت اهل بیت خیلی عقبیم؛ هرچه بتوانیم بیشتر معرفت پیدا کنیم، این برای هر انسانی فضیلت است؛ پس بنابراین، این را وجهه‌ی همّت قرار بدهید و مردم را با معرفت کنید؛ یکی از کارهای محتوا این است. یکی از کارهای محتوا این است که مردم را با وظایف دینی‌شان آشنا کند. امروز شعرهایی که بعضی از این برادرها خواندند، همین جور بود. نگاه به دنیای روز، نگاه به وظایف، نگاه به جبهه‌بندی‌هایی که وجود دارد، این [کار] از عهده‌ی شما برمی‌آید. شما میتوانید گفتمان‌سازی کنید. آنچه من انتظار دارم از جامعه‌ی مدّاح - که امروز بحمدالله، هم زیادند، هم باکیفیتند، هم ارزشمدارند - این است که بتوانید گفتمان در جامعه به وجود بیاورید، فکر به وجود بیاورید. گفتمان یعنی آن فکری، آن اندیشه‌ی عملی‌ای که رواج پیدا میکند در بین مردم و میشود سکه‌ی رایج؛ این گفتمان است. در هر برهه‌ای از زمان لازم است که یک سکه‌ی رایجی دست همه‌ی مردم باشد؛ این کار را شما میتوانید بکنید.

یک روز، روز دوران دفاع مقدّس بود، لازم بود مردم آماده بشوند برای دفاع یا برای پشتیبانی؛ شعرای ما و مدّاحهای ما در آن وقت نقشهای خوب ایفا کردند. البته بعضی هم دامنشان را برچیدند و یک کناری نشستند؛ از این قبیل هم داشتیم، اما یک عده‌ای وارد میدان شدند و تأثیر گذاشتند. اینکه شما امروز از فکه و شلمچه میگویید، فکه و شلمچه مال سی سال قبل است اما فکه و شلمچه از یاد نخواهد رفت و در تاریخ این کشور خواهد ماند؛ چرا؟ چون نقش ایفا کرده، چون اگر امروز شما استقلال دارید، اگر آزادی دارید، اگر عزّت دارید، اگر هویت دارید، اگر دشمن بر شما مسلط نشده است، اگر ناموستان محفوظ است، این به خاطر همان فکه و شلمچه است. شعرا و مدّاحها در این زمینه نقش ایفا کردند. گفتمان آن روز، گفتمان حضور در آن دفاع بود. هر برهه‌ای از زمان یک نیاز فکری‌ای وجود دارد؛ این غیر از سیاست‌بازی و غیر از سیاسی‌کاری است، این نگاه به نیاز کشور است، نگاه کنید ببینید نیاز کشورتان، نیاز ملتتان، نیاز این برهه‌ی از تاریختان چیست، آن را وجهه‌ی همّت قرار بدهید.

خوشبختانه امروز شعرای مذهبی ما که در مرتبه و مدح حرف میزنند - همین اخیراً برای من کتابهایی را آوردند؛ در مورد توحید، در مورد عاشورا، در این زمینه‌ها کارهای خوب خیلی انجام گرفته - شعرای گشاده‌زبان و باذوق و مضمون‌یاب و مضمون‌ساز و خوش‌لفظ و خوش‌معنا هستند. بحمدالله مدّاحان خوش‌حنجره و خوش‌صوت و گرم و گیرا هم هستند؛ این خیلی فرصت بزرگی در اختیار کشور ما و ملت ما است؛ از این باید استفاده کرد، نگذارید منحرف بشود. من سالهای گذشته راجع به مسائل مدّاحی و بعضی از آسیبها اشاره‌هایی کرده‌ام، نمیخواهم بیش از آن بگویم، اما خود شما جامعه‌ی مدّاحان کشور، تک‌تک کسانی که بر منبر ستایشگری اهل بیت (علیهم‌السلام) قرار میگیرید و این افتخار را دارید، به فکر باشید؛ آسیب‌شناسی کنید و این را به صورت یک متاع کاملی در بیاورید، روزه‌روز هم ترقّی و رشد پیدا خواهد کرد و خدا را از خودتان راضی خواهید کرد، اهل بیت را از خودتان راضی



خواهید کرد.

نوکری امام حسین و اهل بیت (علیهم‌السلام) به معنی واقعی کلمه این است که انسان بتواند افکار اینها را، خطّ مشی اینها را، جهت‌گیری‌های اینها را در جامعه روزبه‌روز گسترش بدهد؛ و این [کار] است که کشور ما را و جامعه‌ی ما را و نظام ما را و مردم ما را عزّت‌مند و پابرجا خواهد کرد و مشکلات را برطرف میکند. اگر چنانچه ما یک ملت باهویتیّ باثبات پابرجای مدیریتیّ شده‌ی خوب و برخوردار از استقلال و آزادی داشته باشیم، اسلام، تجسّم واقعی خودش را در ملت ما نشان خواهد داد و تبلیغ اسلام خواهد شد که از این تبلیغاتی که ما میکنیم، خیلی خیلی بهتر و بیشتر [است]. این، یکی از ارکانش کار شما است.

از خداوند متعال می‌خواهیم به شماها توفیق بدهد، از همه‌ی شما تشکر میکنم، از گردانندگان جلسه هم تشکر میکنم، از کسانی که نقش ایفا کردند -چه آنهایی که شعر گفتند، چه آنهایی که افاضه کردند و اجرا کردند- تشکر میکنم و برای همه‌ی شما توفیق الهی و رحمت و فضل الهی را مسئلت میکنم.

والسلام علیکم ورحمة‌الله

(۱) در ابتدای این دیدار، شماری از مدّاحان و شعرا با قرائت اشعار، به ذکر فضایل و محامد فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) پرداختند.

(۲) فصیح

(۳) صحیفه‌ی امام، ج ۷، ص ۳۳۷

(۴) نهان، درون